



اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا المَرْتَضَى

الإمامِ التَّقِيِّ وَحُجَّتِكَ عَلَى مَنْ فَوْقَ الْأَرْضِ وَمَنْ تَحْتَ الثَّرَى الصِّدِّيقِ الشَّهِيدِ
صَلَاةً كَثِيرَةً تَامَةً زَاكِيَةً مُتَوَاصِلَةً مُتَوَاتِرَةً مُتَرَادِفَةً كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَانِكَ

زادنا شرافت

منبر روشمند به مناسبت میلاد امام رضا علیه السلام

موسسه تخصصی خطابه امیر بیان اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

السلام عليك يا انيس النفوس

یکی از علمای بزرگ تاریخ تشیع، جناب ابن شهر آشوب است که در بیان عظمت ایشان همین بس که برخی از علمای بزرگ در وصفشان از تعبیر (دریای متلاطمی که ساحل ندارد) استفاده کرده اند.^۱ این تعبیر کنایه از علم فراوان ایشان است.

مهمترین تالیف این عالم وارسته، کتاب گرانسنگ مناقب آل ابی طالب علیهم السلام است که به جرأت می توان گفت در بین بیش از نود کتاب معتبر حدیثی که در مناقب اهل بیت نوشته شده، این کتاب جزء بهترین هاست. روایت زیبایی در این کتاب از ماجرای به حمام رفتن امام رضا علیه السلام نقل شده است که بسیار درس آموز است:

روزی امام رضا علیه السلام به حمام عمومی رفتند. حمام شلوغ بود. خیلی ها امام را نشناختند و بعضی از آشنایان هم، سرگرم کارخودشان بودند و کسی متوجه امام رضا علیه السلام نشد و گویی حضور امام اصلا حس نشد. امام گوشه ای از حمام نشست. بخار زیادی مثل مه در فضای حمام رها بود و چشم چشم را درست نمی دید. چیزی نگذشت که مرد کنار دستی امام رو به حضرت گفت: ای مرد! این کیسه را بگیر! امام رضا علیه السلام کیسه را از دست او گرفت. مرد گفت: حالا لطف کن و کمرم را کیسه بکش سعی کن خوب و محکم کیسه بکشی. امام با خوش رویی و تبسم همیشگی شان پذیرفتند و مشغول کیسه کشیدن شدند. دقایقی بعد سه مرد که کمی آن طرف تر نشسته بودند، متوجه حضور امام شدند. آن مرد از کیسه کشیدن امام خوشحال بود که آن سه مرد از جا برخاستند. یکی از آنها رو به بقیه گفت: انگار نمی داند که فرزند رسول خداست! آنها جلو آمدند و به امام سلام کردند. بعدهر سه جلوی مرد رفتند و آهسته به او گفتند: می دانی چه کسی بر پشت تو کیسه می کشد؟! مرد که بی خیال بود، به خنده ای کوتاه بسنده کرد و گفت: نه! یکی از مردها دهانش را جلوی گوش او برد و گفت: او علی بن موسی الرضا علیه السلام است. تو خجالت نمی کشی؟! رنگ از صورت مرد پرید و ترس بر چهره اش نمایان شد. فوری سربلند کرد و به حضرت نگاه کرد و دستش را به طرف او گرفت. کافی است آقا جان! مرا عفو کن. من اصلا شما را نشناختم و الا قصد بی ادبی نداشتم. کیسه را بدید به من! امام رضا علیه

^۱ نوری، خاتمه مستدرک، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۵۶ و ۵۷

عاشوراء

شرفات
نربابان

(۲)

معاونت پژوهشی

موسسه تخصصی خطابه امیربایان

@amirebayanesf

السلام نپذیرفت و دست از کار نکشید و همچنان بر کمر او کیسه کشید تا کاملاً تمیز شد.^۲

اما کدوم امام رضا؟! همون امام رضایی که هشتمین اختر تابناک آسمان امامت و ولایت هستند. همون امام رضایی که حجت خدا و خلیفه الله و محور عالم وجود و قطب عالم امکان و عصاره ی خلقت هستند چنین متواضعانه عمل می کند. نکته ی مهمی که از این جریان از امام می آموزیم، این است که در هر پست و مقام و جایگاهی که باشیم، باید در برابر مردم نهایت تواضع را داشته باشیم.

منظورم تواضع به چه معنایی است؟ همان معنای زیبا که مرحوم نراقی رحمه الله علیه از تواضع دارند: حالتی نفسانی که شخص خودش را بالاتر از دیگران نبیند.^۳ به این معنا که به دیگران ارج نهاده و شخصیت افراد را حفظ کند، اما از طرفی هم خودش را خوار نکند و زیر بار ذلت نرود.

اما همین تواضعی که در روایات به عنوان شیرینی عبادت معرفی شده^۴، و به عنوان نردبان شرافت معرفی شده، باعث جلب محبت دیگران می شود، بالاترین بندگیست^۵ و تواضعی که رمز کلیم الله شدن حضرت موسی علیه السلام است و صدها فایده دیگر؛ جالب است در موارد متعددی وجود دارد که تواضع در آن موارد به شدت مذموم است و مورد نهی اهل بیت علیهم السلام واقع شده؛ که به سه مورد از آن ها اشاره خواهیم کرد:

اولین مورد تواضع در برابر کافران و منافقان است که مذموم است و طبق آیه شریفه: "و لله العزة و لرسوله و للمؤمنین" عزت ویژه خدا و رسول او و مؤمنان است؛^۶ پس مومن نباید عملی انجام بدهد که باعث عزت ظاهری کفار و منافقین شود؛ و از جمله اموری که ممکن است به کافران و دشمنان خدا عزت ظاهری و احساس بزرگی و کرامت دهد، تواضع و فروتنی مؤمنان در برابر آنان است؛ به همین خاطر اگر دقت کنید متوجه می شوید که چرا امام رضا علیه السلام در مقابل حاکم زمان خود محکم

^۲ مناقب ابن شهر آشوب، ج ۲، ص ۴۱۲

^۳ نراقی، ملا احمد، معراج السعاده، ص ۳۰۰.

^۴ قال رسول الله صلى الله عليه و آله: مالي لا أرى عليكم حلاوة العبادَةِ؟! قالوا: وما حلاوة العبادَةِ؟ قال: التواضعُ (تنبيه

الخواطر: ۱ / ۲۰۱ منتخب میزان الحكمة: ۵۹۶)

^۵ امیرالمومنین علیه السلام: التواضعُ سُلْمُ الشَّرَفِ؛ غرر الحكم، ج ۵۱۸۰.

امیرالمومنین علیه السلام: ثَمَرَةُ التَّوَّاضِعِ الْمَحَبَّةُ؛ ج ۵۱۷۹.

امام صادق علیه السلام فرمودند: «التَّوَّاضِعُ أَصْلُ كُلِّ خَيْرٍ نَفِيسٍ وَ مَرْتَبَةٍ رَفِيعَةٍ... وَ لَيْسَ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ عِبَادَةٌ يَقْبَلُهَا وَ يَرْضَاهَا إِلَّا وَ بَابِهَا التَّوَّاضِعُ؛ بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۱۲۱، ح ۱۲.

^۶ منافقون اسوره ۶۳، آیه ۸.

و با وقار بودند ولی در مقابل مردم اینقدر متواضع... . همین امام رضایی که در برابر مردم آن قدر متواضع است که کیسه به بدن مردم می کشد، در برابر مامون عباسی و درباریان او یک ذره تواضع به خرج نمی دهد.

دومین مورد فروتنی در برابر فاسقان و ظالمان و برخورد متواضعانه با آنهاست، چون سبب جرئت و جسارت بیشتر آنان به گناه و فسادشان می گردد. آنان برخوردی متواضعانه را مهر تایید بر افعال ناپسند و ناروای خویش می گیرند. به همین خاطر اسلام تواضع در برابر فاسقان و ظالمان را ممنوع کرده است.

امام علی (علیه السلام) می فرمایند: «امرنا رسول الله، ان نلقى اهل المعاصی بوجه مَكْفَهْرَه؛ پیامبر، به ما دستور داد با گناه کاران با چهره گرفته و درهم کشیده برخورد نماییم.»^۷

و سومین مورد هم تواضع در برابر متکبران است.

انسان های متکبر، انسان های پر ادعایی هستند که خود را بی نیاز از دیگران احساس می کنند و باعث از بین رفتن حق و حقوق دیگران می شوند و اگر ما در مقابل آنها تواضع کنیم خود باعث تایید نا عدالتی ها و تضییع حقوق است.

بدین جهت هم دستور داده اند که با متکبران، با تکبر برخورد کنید تا از اوج تکبر به زیر آیند و در میان مردم کوچک و حقیر شوند. هنگامی که متکبران ببینند مردم از اطراف آنها پراکنده شده اند و دیگر کسی برایشان نمانده است، حتی همسر و فرزندان شان هم از آنها دوری می جویند، شاید آن گاه رفتار ناپسندشان را اصلاح کنند.

از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل است:

هرگاه متواضعان امت مرا ببینید، در مقابل شان تواضع کنید و زمانی که با متکبران برخورد کردید، بر آنان تکبر ورزید که این رفتار موجب ذلت و خواری متکبران می شود.^۸

امام علی علیه السلام فرمودند:

التَّكْبَرُ عَلَى الْمُتَكَبِّرِ هُوَ التَّوَاضُعُ بِعَيْنِهِ.

تکبر در برابر شخص متکبر عین تواضع است.^۹

^۷ حر عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۱۳.

^۸ جامع السعادات، ج ۱، ص ۳۶۳.

^۹ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۲۰ ص ۲۹۸ کلمه ۴۱۰.

این سه مصداق برخی از مصادیق تواضع مذموم بود. اما در چه مواردی تواضع کنیم که این تواضع ما نردبان شرافت باشد و ما را به شیرینی و حلاوت عبادت برساند و ما را به مقام موسی کلیم الله نزدیک کند؟!

ای برادر چو خاک خواهی شد
خاک شو پیش از آنکه خاک شوی

سه مورد از موارد تواضع ممدوح تقدیم عزیزان می کنیم:

اولین و پایین ترین درجه تواضع ممدوح، تواضع در برابر مردم است: امام علی علیه السلام به محمد بن ابی بکر زمانی که به او حکومت مصر را داد، اولین توصیه ای که می کنند، توصیه به تواضع در مقابل مردم است؛ می فرماید: با آنان فروتن، نرم خو و همواره گشاده رو باش.^{۱۰}

چو شیطان سر کشید از سجده کردن
مبادا از تکبر کردن خویش نهی آن طوق را بر گردن خویش^{۱۱}

اگر شما می بینید سلمان فارسی به جایی می رسد که از پیامبر اسلام لقب منا اهل البیت دریافت می کند، یکی از صفات سلمان که باعث شد به این مقام برسد، تواضع فوق العاده ایشان در مقابل مردم بود. داستان زیبایی از تواضع ایشان تقدیمتان می کنم:

ایشان مدتی در یکی از شهرهای شام فرماندار بود. رفتار ایشان قبل و بعد از مسئولیت هیچ تغییری نکرده بود. یک روز در میان بازار می رفت، مردی را دید که مقداری علوفه خریده بود و منتظر کسی بود که آن را به خانه اش ببرد. سلمان رسید و بی مزد قبول کرد بارش را به خانه اش برساند. مرد علوفه را بر پشت سلمان گذاشت، و سلمان آن را می برد. در راه شخصی به آن ها برخورد کرد و گفت: ای امیر این را به کجا میبری؟ آن مرد فهمید که او سلمان است! به روی پای او افتاد و دست او را بوسید و می گفت: مرا ببخش که شما را نشناختم. سلمان فرمود: این بار را به خانه ات باید برسانم.^{۱۲}

شهادای ما هم این روحیه سلمان را داشتند، نه تنها در برابر مردم بلکه سردار در برابر سرباز خود نهایت تواضع را داشت؛ یکی از همزمان شهید مجید بقایی نقل می کند:

^{۱۰} امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۲۶۱

^{۱۱} هلالی، بدرالدین، صفات العاشقین، ص ۳۰۰

^{۱۲} جوامع الحکایات ص ۱۷۸

عاشق علی

شرافت نردبان

(۵)

معاونت پژوهشی

موسسه تخصصی خطابه امیربایان

@amirebayanesf

یک روز آقا مجید به اصطلاح بچه بسیجی‌ها شهردار بود. مسئول بود که هم غذا توزیع کند و هم سفره را جمع کند و ظرف‌ها را بشوید و...

در دفتر فرماندهی حضور داشتیم که دو نفر نظامی آمدند و گفتند: «با برادر مجید کار داریم.»

گفتم: «صبر کن تا صدایش بزنم.»

رفتم و به آقا مجید که ظرف‌ها را می‌شست گفتم: «بیا که دو تن از برادران ارتشی با شما کار دارند.»

گفت: «آن‌ها را راهنمایی کن تا بیایند داخل، من هم می‌آیم.»

با صراحت به آن دو برادر گفتم که: «او ظرف‌ها را می‌شوید.»

آنان با شگفتی نگاهی به همدیگر انداختند و با چشمان خویش گفتگو کردند. دوباره روی برگرداندند و یکی از آن‌ها گفت: «ما با برادر بقائی فرماندهی محترم سپاه کار داریم.»

در پاسخ وی که گمان می‌کرد من اشتباه شنیده باشم، گفتم: «بله می‌دانم، اما او ظرف‌های غذای بچه‌ها را می‌شوید. امروز نوبت اوست.»

گفت: «کدام بچه‌ها؟»

گفتم: «همین بچه‌های سپاهی و بسیجی.»

به آنان تعارف کردم تا بنشینند و دوباره به سراغ آقا مجید رفتم و گفتم: «بابا بیا که این‌ها با شما کار دارند و مرا هم سؤال پیچ کرده‌اند که...»

گفت: «باشد. برو که الان می‌آیم.»

بعد از چند دقیقه با آستین‌های بالا کشیده وارد شد و ضمن سلام و احوالپرسی، در حالی که دست‌های خود را با حوله خشک می‌کرد، به یکی از آنان گفت: «جناب سرهنگ! چه عجب یادی از ما کردی؟»

او هم ضمن ابراز ارادت گفت: «شما داشتید ظرف‌ها را می‌شستید؟»

آقا مجید در پاسخ گفت: «بله.»

دوباره پرسید: «یعنی ظروف غذای نیروهایتان را می‌شوید؟»

پاسخ داد: «بله؛ خب بالاخره هر بیست و پنج روز، یک روز هم نوبت ماست.»

بیت‌های

شرف
نربا

(۶)

معاونت پژوهشی

موسسه تخصصی خطابه امیربایان

@amirebayanesf

باز پرسید: «برادر بقایی! در این صورت نیروها فرمانت را می‌برند؟»

مجید پاسخ داد: «بله، خیلی خوب هم فرمان می‌برند...»^{۱۳}

دومین مورد و بالاترین مورد تواضع که همه عالم باید در مقابل آن تواضع کنند، تواضع در مقابل خداست.

چقدر زیبا فرمودند امام صادق علیه‌السلام که: «أصلُ التَّوَّاعُجِ مِنْ جَلالِ اللَّهِ وَ هَيْبَتِهِ وَ عَظَمَتِهِ؛ اصل و اساس تواضع، عزت و بزرگی خدا را به یاد آوردن و خود را ناچیز شمردن است.»^{۱۴}

رفقا می‌دانید کدام صفت حضرت موسی علیه السلام بود که ایشان را به مقام کلیم الهی رساند؟ جواب این سوال را خود خداوند بیان کرده است:

خداوند به موسی بن عمران وحی فرستاد: ای موسی! هیچ می‌دانی چرا تو را برگزیدم و اختیار کردم به سخن گفتن با خودم؟ عرض کرد: به چه سبب بود؟ فرمود: من ظاهر و باطن همه بندگان خود را دیدم، هیچ‌یک را ندیدم که ذلت ایشان در برابر من چون تو باشد. ای موسی! به درستی که تو هر وقت نماز می‌کردی، رخسار خود را بر خاک می‌گذاری.^{۱۵}

تواضع در برابر خدا که همان مقام عبودیت است، به اندازه ای بالاست که مقدم بر رسالت است. یعنی شما در تشهد در روز چندین مرتبه شهادت می‌دهید که یا رسول الله! مقام عبودیت شما بالاتر از رسالت شماست. «أشهد أن محمداً عبده و رسوله»؛ و تواضع در مقابل خدا، اهمیت به همه واجبات مخصوصاً نماز است؛ که نماز خودش یک کرنش و تواضع در مقابل خداست. اینکه می‌بینید اینقدر به نماز اهمیت داده شده، برای این است که بهترین تواضع در مقابل خدا، نماز است. البته نه نماز الکلنگی!!! نمازی مصداق تواضع در برابر خداست که با خشوع و خاکساری در برابر خدا باشد. خوشا به حال کسانی که وقتی به نماز می‌ایستند، بسیار متواضعانه و با خضوع و خشوع به نماز می‌ایستند. خوشا به حال شهدا که در مقابل خدا و در نماز بسیار متواضع بودند.

خوشا به حال شهید رضوان خواه. هم رزم ایشان می‌گوید: نماز را که شروع کرد، رفتیم پشت سرش. به قنوت که رسید، طولش داد. شانه هایش هم تکان می

^{۱۳} رسم خوبان ۲۰ - فروتنی و پرهیز از خودبینی، ص ۱۴۷ تا ۱۴۹

^{۱۴} منسوب به امام جعفر صادق (ع)، مصباح الشریعه، ترجمه حسن مصطفوی، ص ۲۴۴

^{۱۵} نراقی، احمد بن محمد مهدی، معراج السعاده، ص ۲۸۶

بسم الله الرحمن الرحيم

شرف
نربا

(۷)

معاونت پژوهشی

موسسه تخصصی خطابه امیربایان

@amirebayanesf

خورد. [یعنی نهایت خضوع و خشوع] کم کم اشک بقیه هم درآمد. از یاد نرفتنی شد؛ آخرین نمازی که به او اقتدا کردیم.^{۱۶}

خدا رحمت کنه شهید والامقام شهید دکتر چمران؛ هم رزم ایشان می گوید: برای نماز که می ایستاد، شانه هایش را باز می کرد و سینه ش را می داد جلو. یک بار بهش گفتم "چرا سر نماز این طور می کنی؟" گفت "وقتی نماز می خوانی مقابل ارشد ترین ذات ایستاده ای. پس باید خبردار بایستی و سینه ت صاف باشد." با خودم می خندیدم که دکتر فکر می کند خدا هم تیمسار است.^{۱۷}

در راه او شکسته دلی می خرنند و بس...

سومین مورد که نهایت تواضع در پیشگاه خداست، تواضع در برابر فرستادگان خداست؛ که همان تواضع در برابر پیامبر اسلام و اهل بیت علیهم السلام است. همین صلواتی که می فرستیم تواضع در مقابل پیغمبر اکرم صلوات الله علیه و آله است. می خواهیم بفهمانیم که نه تنها به خودش و احکامش بلکه به اسمش درود می فرستیم و تواضع در مقابل اسمش داریم؛ و وقتی اسمش را می شنویم، می گوئیم «اللهم صلّ علی محمد و آل محمد».

همچنین در مقابل ائمه طاهرين سلام الله عليهم باید فوق العاده متواضع باشیم. خدا رحمت کند مرحوم آیت الله آقا شیخ ابو الهدی پسر مرحوم آقای کلباسی، از اساتید بزرگ آیه الله العظمی بروجردی بوده است. و انصافاً خیلی اهل دل بوده است. آیه الله العظمی مظاهری از استادشان آیه الله العظمی بروجردی نقل می کنند که این مرد بزرگ در درس می فرمودند اگر با قلمی روایت نوشته شده و این قلم در اتاقی باشد، من برای احترام به آن قلم، در آن اتاق نمی خوابم! به این می گویند تواضع در مقابل ائمه طاهرين سلام الله عليهم. حتی در مقابل اسماء آنها باید متواضع باشیم.^{۱۸}

مرحوم شیخ صدوق، آن عالم وارسته و عظیم الشان و عالی مرتبه که به دعای امام زمان علیه السلام متولد شد و امام زمان علیه السلام در مورد ایشان فرمود مولودی با برکت خواهد بود؛ و در نقل روایات از اهل بیت عصمت و طهارت آنقدر ظرافت و حساسیت به خرج می داد که از شاگردان خود لقب صدوق را دریافت کرد (یعنی بسیار راستگو)، در کتاب شریف عیون اخبار الرضا علیه السلام واقعه ی تکان دهنده ای به نقل امام جواد علیه السلام در مورد عاقبت شخصی که به جای تواضع در پیشگاه

^{۱۶} یادگاران، جلد ۲۱ کتاب شهید حسن رضوان خواه، ص ۷۹

^{۱۷} یادگاران، جلد یک، کتاب شهید چمران، ص ۶۷

^{۱۸} <https://b2n.ir/p/63731>



امام رضا علیه السلام با تکبیر برخورد کرد نقل می کند، که بسیار عبرت آموز است:

وقتی امام رضا علیه السلام ولیعهد مأمون شد، مدتی باران نیامد. گروهی از اطرافیان مأمون و طرفداران او می گفتند: ببین! از وقتی که علی بن موسی الرضا ولیعهد شد، باران قطع گردید.

این حرف به گوش مأمون رسید. به امام رضا علیه السلام عرض کرد: مدتی است باران نمی بارد، اگر صلاح بدانید دعا بفرمایید، شاید خداوند باران عنایت کند. فرمود: بسیار خوب. مأمون پرسید: چه وقت برای طلب باران می روید؟ (آن روز جمعه بود). حضرت فرمود: روز دوشنبه. پیغمبر اکرم با امیرالمؤمنین - علیهما السلام - دیشب به خوابم آمدند و فرمودند: پسر! انتظار روز دوشنبه را داشته باش، پس به صحرا برو و طلب باران کن! خداوند باران می بارد و به آنها نشان بده مقامی را که خداوند به تو اختصاص داده تا بیشتر از فضل و مقامت در نزد خدای عزوجل مطلع شوند.

روز دوشنبه به صحرا رفت و مردم تمام به تماشا آمده بودند. حضرت روی منبر رفت، حمد و سپاس خدا را بجای آورد و گفت: بار خدایا! تو مقام ما خاندان نبوت را بالا برده‌ای. مردم به ما توسل می جویند، همان طوری که دستور داده‌ای و امیدوارند که مشمول فضل و عنایت و لطف و نعمت تو شوند. خدایا! بارانی نافع و فراگیر و بدون تأخیر و بی ضرر بر آنان بفرست. این باران وقتی می بارد که آنها از اینجا رفته‌اند و به منزل‌های خود رسیده باشند.

امام جواد - علیه السلام - فرمود: به خدایی که محمد - صلی الله علیه و آله و سلم - را به نبوت ارسال داشت، بادها ابرها را به یکدیگر پیوستند و رعد و برق شروع شد. مردم به واسطه باران به خود جنبیدند و تصمیم به رفتن داشتند. حضرت رضا فرمود: صبر کنید مردم! این ابر مال شما نیست، مربوط به فلان شهرستان است. آن ابر رد شد و باز ابر دیگری آمد که دارای رعد و برق بود. مردم دوباره حرکت کردند. فرمود: صبر کنید! این ابر برای شما نیست، مربوط به فلان ناحیه است. همین طور تا ده ابر می‌آمد و رد می شد و حضرت رضا علیه السلام می فرمود: صبر کنید! این ابر مربوط به شما نیست، برای فلان ناحیه است. تا ابر یازدهم آمد و فرمود: این یکی را خدا برای شما فرستاده، بر لطف و نعمت خدا سپاسگزاری کنید و به منزل‌های خود بروید، ولی او نمی‌بارد تا وقتی شما وارد منزل‌های خود شوید. بعد آن طور که شایسته کرم و لطف خداست خواهد بارید. در این موقع حضرت از منبر پایین آمد و مردم بازگشتند.

(۹)

معاونت پژوهشی

موسسه تخصصی خطابه امیربایان

@amirebayanesf

ابر پیوسته در هوا بود، ولی نمی بارید تا مردم نزدیک منزل‌های خود رسیدند. آنگاه بارانی شدید بارید که تمام نهرها و حوض‌ها و گودی‌ها و بیابان‌ها پر از آب شد. مردم می گفتند: واقعا چه مقامی دارد پسر پیامبر! گوارا باد او را این مقام و لطف خدا!

حضرت جواد علیه السلام فرمود: خداوند به دعای حضرت رضا علیه السلام، در آن سرزمین برکت و نعمت را فراوان کرد. کسانی اطراف مأمون بودند که قبل از ولیعهد شدن حضرت رضا خود را نامزد ولیعهدی می دانستند و حسودانی وجود داشتند که پیوسته بدگویی می کردند. یکی از آنها (حمید بن مهران، حاجب و پرده دار مأمون) به مأمون گفت: یا امیرالمؤمنین! مبادا این شرافت و عظمت را از خاندان بنی عباس خارج کنی که کاری بی سابقه در میان خلفا خواهد شد و خلافت منتقل به اولاد علی شود که خود و خانواده ات را نابود کرده‌ای. این جادوگر جادوگرزاده را که در گوشه ای افتاده بود و کسی او را نمی شناخت، آوردی و به این مقام رساندی و مشهورش کردی! از یاد رفته بود، او را به مردم معرفی کردی. راجع به بارانی که در موقع دعای او آمد، دنیا را از دروغ و به خود بالیدنش پر کرده! من می ترسم خلافت را از خاندان عباسی خارج کند و به اولاد علی منتقل شود. من می ترسم که تو را کنار بزند و تکیه بر مقامت کند؛ آن گاه کسی مثل تو بر خود و مملکت خویش خیانت نکرده است! اچقدر این توهین‌ها زشت و سخیف است؛ این همه رافت و کرامت امام را دیدند و به جای تواضع در برابر امام، شروع به لجن پراکنی کردند. مثل دست اندرکاران فیلم موهن عنکبوت مقدس که کرم و رافت امام را ندیدند و توهین به امام کردند]

مأمون گفت: باید کم کم از قدر و مقامش بکاهیم تا مردم چنین بفهمند که او لیاقت این مقام را ندارد. سپس چاره‌ای بیندیشیم که به طور کلی خطر او را رفع کند.

حمید ابن مهران گفت: مجادله و جواب او را به من واگذار. من او و یارانش را مغلوب می کنم و قدر و قیمتش را پایین می آورم. [مثل همین افراد متوهمی که فکر می کنند با ساخت فیلم و توهین به امام می توانند قدر و منزلت امام را پایین بیاورند]

مأمون گفت: چیزی در نظرم محبوب‌تر از این کار نیست! گفت: پس در این صورت بزرگان کشور، از فرماندهان و قاضیان و دانشمندان را جمع کن تا من در مقابل آنها نقص او را ثابت کنم و از مرتبه‌ای که به او داده‌ای، پایین بیاورم.

مأمون دستور داد برجستگان کشور را در مجلس بزرگی دعوت کنند. حضرت رضا علیه السلام را نیز پهلوی خود در همان مقامی که به او داده بود، نشاند. همان مرد که تصمیم داشت از مقام آن جناب بکاهد، ابتدا گفت مردم از شما داستان‌ها نقل می

عاشوراء

شرفات
نربا

(۱۰)

معاونت پژوهشی

موسسه تخصصی خطابه امیربایان

@amirebayanesf

کنند و در تمجید و توصیف شما مبالغه می‌نمایند، به طوری که اگر خود شما مطلع شوید، از حرف‌های ایشان متنفر خواهید شد!

اول موضوعی که حرف می‌زنند همان باران آمدن است که به موقع خودش می‌آمد. شما دعا کردی و پس از دعای شما که باران آمد، این پیشامد را برای شما معجزه قرار داده‌اند که شما را در دنیا نظیری نیست. این امیرالمؤمنین که اکنون حاضرند، اگر با هر کسی در دنیا مقایسه شوند برتری دارند. ایشان شما را به این مقام امتیاز داد، اینک صحیح نیست اجازه دهی دروغ بافان این مطالب را که به امیرالمؤمنین کنایه و گوشه دارد، منتشر کنند.

حضرت رضا علیه السلام فرمود: من نمی‌توانم جلوی مردم را بگیرم که از نعمتهایی که خداوند به من ارزانی داشته صحبت نکنند، گرچه تصمیم به اختلاف و شورش ندارم

حمید در این موقع عصبانی شده گفت: ای پسر موسی! خیلی ادعای بزرگی می‌کنی و از حد خود پا را فراتر گذاشته‌ای! بارانی که خداوند به موقع و بدون تقدیم و تأخیر می‌فرستد، تو آن را برای خود معجزه گرفته‌ای و این قدر بزرگ کرده‌ای، مثل اینکه معجزه ابراهیم خلیل را انجام داده‌ای که سر مرغان را به دست گرفت و اعضای کوبیده شده و درهم آمیخته آنها را فرا خواند و آمدند و بر سرها متصل شدند و باز زندگی از سر گرفته و به اجازه خدا به پرواز در آمدند! اگر در این ادعا راست می‌گویی، این دو شکل و صورت را زنده کن و بر من مسلط گردان، آن وقت معجزه و نشانه‌ای درست خواهد بود. اما بارانی را که در موقع خود می‌آید، نمی‌توانی ادعا کنی که به دعای شما یا آن کسانی که با شما در دعا شرکت داشته‌اند آمده است. حمید اشاره به نقش دو شیر کرد که روی پشتی مأمون بود و بر آن تکیه داشت و هر دو رو به روی هم بودند.

علی بن موسی الرضا علیه السلام خشمگین شد و فریاد زد:

این مرد پست را بگیرید و پاره پاره کنید و اثری از او باقی نگذارید!

در این موقع آن دو نقش تجسم پیدا کردند و دو شیر شدند و حمید را با دندان‌های خود پاره پاره کردند، او را خوردند و خونس را از روی زمین لیسیدند.

عبدالرضا

شیراز
نربان

(۱۱)

معاونت پژوهشی

موسسه تخصصی خطابه امیربایان

@amirebayanesf

بعد از آن شیرها پرسیدند: یا ولی الله! دستور دیگری نیست؟ فرمود: برگردید به محل اول خودتان، همان طور که بودید. شیرها دو مرتبه به پشتی برگشتند و دو نقش شدند.^{۱۹}

درس مهمی که از این جریان برای طول تاریخ شیعه هست جایگاه تواضع و فروتنی در مقابل امام و عقوبت و سرنوشت بد هتاکان است. مسلمانان همه در برابر امام تواضع دارند اما عنایت داشته باشیم که سکوت در برابر بی ادبی و هتک حرمت نسبت به امام نیز خودش نوعی عدم تواضع در برابر امام است. در همین ایام که همین فیلم موهن عنکبوت مقدس نمایش داده شد که دشمنان دین و اسلام به آن جایزه دادند، چند نفر از ما دردشان آمد؟! چند نفر برای پاسخ به این اتفاق حرکت کردند و اقدامی کردند و توطئه دشمن را خنثی کردند؟! و ارادت خود نسبت به امام را نشان دادند؟! بیایید اگر هنوز کاری نکردیم الان که دسترسی ما به فضای مجازی آسان هست هر کدام یک اقدامی بکنیم.

پیشنهاد می کنیم

۱. اولین فرصت یک فیلم یا کلیپ یا صوت درست کنیم و ابراز انزجار کنیم و داخل گروه های خودمون و خانواده مون بارگزاری کنیم.
۲. اگه توانش را نداریم کلیپ های تولید شده رو بازنشر کنیم.
۳. اگر همین هم نشد حداقل یک پروفایل امام رضایی به عنوان عرض ادب به امام رضا علیه السلام بگذاریم.

همه ما باید غیرت و فروتنی خودمان به ساحت اهل بیت علیهم السلام را نشان بدهیم و سعی کنیم مثل شهید محرم ترک که اولین شهید مدافع حرم کشور بود از اولین ها در دفاع از حریم اهل بیت علیهم السلام باشیم و فکر نکنیم دفاع از حرم فقط همان دفاع از ضریح مقدس و گنبد و بارگاه عظیم است بلکه همین کار شما در دفاع فرهنگی خودش از مهمترین مصادیق دفاع از حرم است.

والسلام علیکم و رحمت الله